



۱۳۵۷ ندارد. نوجوانانی که شاید هنوز هم به روشنی نمی‌دانند، در دوران پهلوی دوم، تنها در دل و اطراف پایتخت، ۱۳ نقطه، مشهور به حلبی‌آباد وجود داشت. شهرک‌ها یا مجموعه‌های بزرگ مسکونی که به «ظاهر» خانه‌های تشکیل‌دهنده آن، با روی هم گذاشتن قطوطی‌ها یا طرف‌های حلبی رنگ‌زده روغن، پا گرفته بودند و ساکنین، خانواده‌های مستضعف بودند. اغلب این ساکنین نیز روستاییان مهاجر بودند که برنامه بی‌خرانه و ضدایرانی شاه مفلوک، موسوم به «اصلاحات ارضی» آنان را بیکار و فقیر و فقیرتر کرده بود!

نسلی که نمی‌داند، در سال ۱۳۵۶، ۴۳ درصد مردم زیرخط فقر زندگی رقت‌باری داشتند. با تاسف نمی‌دانسد، در سال ۱۳۵۵، ۵۲ درصد از جمعیت کشورمان با بادی بی‌سوادى دست به‌گریبان بودند. نوجوانانی که شاید هنوز بی‌خبر از فاجعه قرارداد استعماری سعدآباد و جدایی‌بخش‌هایی از کشورمان هستند. آنان نمی‌دانند بعد از امضای قرارداد، ضاخان، واگسازان نقاطی مهم از ایران مانند ارون‌درو و برخی از بخش‌های کوه‌های آزارات به کشورهای اپرمانوی «عراق و ترکیه» را یک پیروزی دیپلماتیک جلوه داد. نمی‌دانند که با اشاره لندن، بحرین به‌عنوان بخشی نفت‌خیز و ثروتمند از پیکره ایران جدا شد و شاه این رویداد تلخ را به‌عنوان احترام به همسایگان عرب معنا کرد!

مجموعه حکایت‌های کمال تبدیل به مجموعه‌ای تلویزیونی شد تا جذابیت و شیرینی دیگری و طیف دیگری از مخاطبان را دربرگیرد. امید دارم که با نگاه به تاریخ معاصر و تامل بر کارنامه جمهوری اسلامی و رنگی‌بر ماهیت ضانقلاب داخلی و خارجی، حکایت‌های کمال همچنان ادامه یابد؛ چه در حیطه ادبیات و سپس از آن، در دامنه تلویزیون.

این مسئله از الگو گرفتن مهاتما گاندی از امام حسین(ع) برای انقلاب علیه ظلم، تا به حال ادامه داشته است.

در جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل، تصاویر رهبر انقلاب، به عنوان کسی که در مقابل ظلم ایستادگی کرد، بر سر در ورودی شهر لاکهنو مرکز ایالت اوتار پرادش هند با حدود ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت، نصب نشد و در دیگر ایالت‌ها هم نصب پوسترهایی از ابراز ارادت افراد مورد احترام و پرنفوذ هند، راجع به رهبر انقلاب، مشخص می‌کند که عده زیادی در هند، به آزادگی و مبارزه با ظالمان باور دارند. البته به خاطر برخی جنبشگری‌های تعدادی از سیاستمداران هندی، که بیشترشان امدار سرمایه‌دارانی هستند که با اسرائیل داد و ستدهای فراوان دارند، در سال‌های اخیر، روابط هند و اسرائیل بسیار زیاد شده است ولی واقعیت این است که بین انگلیس و کشور جعلی دست‌نشانده انگلیس، فرقی وجود ندارد و همان نژادپرستی به همراه تمایل به مکیدن خون بقیه انسان‌ها در صهیونیست‌ها هم مانند انگلیسی‌ها وجود دارد و حالا دیگر با اتفاقات دو سال اخیر، این صفات غیرقابل انکار است، به خاطر همین هم فراموش کردن رفتارهای غیرانسانی استعمارگران قدیمی توسط عده‌ای از هندی‌ها و نادیده گرفتن تشابهات فاحش بین انگلستان و اسرائیل، قابل توجه است.

دور از ذهن نیست که اگر این روابط به همین منوال جلو ببرد، می‌رسد آن روزی که دوباره تحقیرهای این استعمارگران، که در ظاهر دوست، به هند نزدیک شده‌اند، علنی شود و باز همان آتش و همان کاسه شکران، در راه شود.

مرد نوحه مردم
مردم هند در بیش از یک دهه اخیر، به‌شدت از فیلم‌هایی استقبال کرده‌اند که در آنها روحیه خودباوری و عزت نفس ملی توسط سازندگان، جدی گرفته شده است. حالا فرقی نمی‌کند که موضوع این فیلم‌ها تاریخ هند را دربر بگیرد یا در مورد ورزش باشد یا پای موضوعات اجتماعی را وسط بکشد، آن چیزی که مسلم است، گرفتن حس خوب از هویت و زندگی واقعی است که در این فیلم‌ها وجود دارد. در فیلم «زغرفانی: داستان ناگفته قتل عام جالیان والا باغ»، با وجود اینکه منتقدین نمرات پایینی به آن داده‌اند ولی مردم هند، به خاطر محتوای این فیلم، آن را پسندیدند و در قسمت نظرات مردمی این فیلم، حمایت کامل مردم را پشت خود داشته است.

مادر جایگزین (رحم اجاره‌ای)، پدیده‌ای که در سال‌های اخیر مشکلات بسیاری از زوجین را حل کرده و بعد دیگری از قصه ال‌است، مسئولیتی که ممکن است مسائل گوناگونی را دامنگیر مادر جایگزین کند. آسبه (گیلدنا ویشکی) بعد از طلاق اجباری از طرف خانواده همسر، ولایت خود را ترک می‌کند و برای کسب درآمد به شکل قانونی، نه به مادر جایگزین شدن می‌دهد آن هم برای زوجی که یک ماه بعد از تشکیل جنین، جدایی از هم را انتخاب می‌کنند، می‌ماند بلاتکلیفی و فرزندگی که امتدادان اوست. دستیابی پژوهشگران ایرانی به راه‌های جدید درمان نابوری مردان و زنان از روشنایی‌هایی است که بسیاری از مواقع گذشته را برای بچه‌دار شدن برداشته است و آلا اثری است که مسئولیت خود را در به رخ کشاندن این‌سن توانمندی به خوبی ایفا کرده است.

سریال الا به موضوعات حیاتی دیگری نیز پرداخته است؛ یانسیگی زوردرس در دختران خیلی جوان و مجرد حتی زیر بیست سال و فریز کردن تخمک آنها در کوتاه‌ترین زمان ممکن به منظور استفاده از آن برای بارداری پس از ازدواج و نگهداری خون بنفاد نوزاد در بانک خون بند ناف هنگام تولد، از سلول‌های بنیادی خون بند ناف برای درمان بیماری احتمالی خود کودک، بستگان درجه یک او و در صورت امکان بیماران غیر همخون استفاده می‌کند.



پژمان کریمی

مواجهه داشتند تا هر روز با شعار «ساختن تمدن بزرگ» و «توسعه حسرت برانگیز»، جامعه ایرانی یکس: آیا در دوران پهلوی، ویژه اندیشه دینی و هویت ملی جایگاهی ارجمند تصور شده بود!

دو: آیا آزادی اندیشه و بیان، واقعیت داشت؟

س: آیا در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، متدینین آزادانه باورهای خود را عرضه می‌کردند و با رویکردی مکتبی مجالی برای نقد سیاسی داشتند؟ چهار: شایسته‌سالاری در دیدگاه پهلوی‌ها چگونه معنا می‌شد و تبعیض‌ها و فرصت‌طلبی مغربین و هوداران سلطنت چگونه مردم را آزار می‌داد؟ پنج: آیا مردم با رفاه اقتصادی و فراخی معیشت

جعلی میهن دوست و مردم باور و خادم از پهلوی، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: یکس: آیا در دوران پهلوی، ویژه اندیشه دینی و هویت ملی جایگاهی ارجمند تصور شده بود! دو: آیا آزادی اندیشه و بیان، واقعیت داشت؟ س: آیا در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، متدینین آزادانه باورهای خود را عرضه می‌کردند و با رویکردی مکتبی مجالی برای نقد سیاسی داشتند؟ چهار: شایسته‌سالاری در دیدگاه پهلوی‌ها چگونه معنا می‌شد و تبعیض‌ها و فرصت‌طلبی مغربین و هوداران سلطنت چگونه مردم را آزار می‌داد؟ پنج: آیا مردم با رفاه اقتصادی و فراخی معیشت

جدید را هدف قرار داده بود. جذابیت و اهمیت اندیشه تنیده در رمان در حدی است که حضرت امام خامنه‌ای در کتاب‌های دقیق که بر خاسته از باورهای دینی انقلابی است، از ظرفیت ادبیات در راستای گزارش تاریخ معاصر ایران با تأکید بر دوران پهلوی، هویت شناسی و تأکید بر مؤلفه‌های اندیشگی ایرانی و اسلامی، روایت دشمن شناختی، نقد فرهنگی و اجتماعی بهره گرفته است. او که نوسنده بیش از ۷۰۰ قصه است،

میرکیانی، اما در مجموعه پنج جلدی «حکایت‌های کمال» که به سراغ نقد دوران سیاه پهلوی می‌رود، و فضای سرکوب و اختناق و شرایط دون فرهنگی و اجتماعی آن که هر اثرش پاسخ به یک ضرورت زمانه تلقی می‌شود. میرکیانی رمان گیری «تن و تن و سنبندان» را در دهه هشتاد در دست در زمانی نوشت و منتشر کرد که تهاجم فرهنگی دشمنان، ریشه‌های ملی و دینی نسل

به گفته‌ای؛ ادبیات در قیاس با هنرهای دیگر، به شکلی جامع‌تر، روشن‌تر و تا اندازه‌ای قابل استناد، راوی تاریخ و شرایط و اوضاع و احوالات زمانه است. چرا؟...به دو دلیل:

نخست اینکه؛ ظرفیت ادبیات، ارائه گزارش‌های تفصیلی و غیرتفصیلی را در قالب‌های گوناگون و جذاب با کمترین هزینه مادی و زمانی با گستره انتشار وسیع میسر می‌سازد.

و دوم؛ ساحت ادبیات ایران‌مان همواره شاهد حضور و تکاپوی قلم‌های متمهدی بوده است که روایت درست تاریخی و انگشت نسبت به رویدادهای کشور خود و رخدادهای جهانی و نیز نقد منصفانه و اصلاح‌گرایانه در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی داخلی و خارجی را از لوازم زندگی و مسلمانی و یک جلوه از غیرت ایرانی درک کرده‌اند.

از این روست که ادبیات فارسی با دقتی‌تر بیگویم؛ ادبیات ایران، بالنده؛ با رویکرد و واجد اندیشه جهانی و با ویژگی فرامانی توصیف می‌شود و مایه افتخار فارسی‌زبانان و ایرانیان است.

استاد محمد میرکیانی صاحب قلمی است که بی‌شک سهمی بزرگ و چشمگیر و قابل احترام و تحسین، در حوزه ادبیات داستانی امروز سرزمینمان دارد. او با نگاهي دقیق که بر خاسته از باورهای دینی انقلابی است، از ظرفیت ادبیات در راستای گزارش تاریخ معاصر ایران با تأکید بر دوران پهلوی، هویت شناسی و تأکید بر مؤلفه‌های اندیشگی ایرانی و اسلامی، روایت دشمن شناختی، نقد فرهنگی و اجتماعی بهره گرفته است. او که نوسنده بیش از ۷۰۰ قصه است، در حوزه ادبیات داستانی امروز سرزمینمان دارد. او با نگاهي دقیق که بر خاسته از باورهای دینی انقلابی است، از ظرفیت ادبیات در راستای گزارش تاریخ معاصر ایران با تأکید بر دوران پهلوی، هویت شناسی و تأکید بر مؤلفه‌های اندیشگی ایرانی و اسلامی، روایت دشمن شناختی، نقد فرهنگی و اجتماعی بهره گرفته است. او که نوسنده بیش از ۷۰۰ قصه است،

ظلم و استبداد زیر لوای نژادپرستی و منفعت‌طلبی، مدت‌هاست که در جغرافیای کره زمین وجود دارد، منتها در ۳۰۰ سال اخیر، نژاد انگلوساکسون پرچمدار این استبداد در جهان بوده است.

در کشوری مانند هند، نفوذ انگلیسی‌ها ابتدا به بهانه تجارت بود و بعد از چندین دهه و شناسخت روحیه و نقاط ضعف و قوت مردم هند، کم‌کم تجارت رنگ عوض کرد و تبدیل شد به استعمار و خونریزی و در نهایت هم بعد از حدود یک قرن با بیداری هندی‌ها، به رهبری «مهاتما گاندی»، انگلیسی‌ها مجبور شدند کاسه کوزه‌شان را جمع کنند و بعد از سال‌ها جنایت، از هندوستان بروند.

البته که تا سال‌ها بعد از تمام شدن استعمار ظاهری، نفوذ فرهنگی انگلیسی‌ها، از طریق زبان و

نگاهی به فیلم «زغرفانی: داستان ناگفته قتل عام جالیان والا باغ» وکیلی که انگلستان را به دادگاه کشاند

فاطمه قاسم‌آبادی

توسط انگلستان صادر شد، وگرنه حکم واقعی گناهکار بودن دایر بود...

ملعون به عهدش وفا نمی‌کند
در ابتدای فیلم «زغرفانی: داستان ناگفته قتل عام جالیان والا باغ»، مخاطبین می‌بینند که در یک موناولوگ کوتاه، توضیح داده می‌شود که انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول، در معامله‌ای به هندی‌ها قول می‌دهند، در صورتی که سربازان هندی برای آنها در این جنگ بجنگند آنها هم در عوض استعمارشان را در هند تمام می‌کنند و هندی‌ها در نهایت آزاد می‌شوند...

داستان کلی قسمت دوم فیلم زغرفانی، به بررسی جنایت انگلیسی‌ها در فاجعه جشن بایساکي می‌پردازد. در این روز هزاران هندی به دستور «ایکل ادوایر» فرماندار انگلیسیی وقت پنجاب، کشته و زخمی شدند.

وکیل «شانکران نایر» سعی کرد به با دادگاه کشاندن «ژنرال دایر» از جنایت انگلیسی‌ها در سطح جهات برده بردار.

در ابتدای فیلم مخاطبین شانکران نایر، وکیل هندی را می‌بینند که به خاطر خوش خدمتی برای انگلیسی‌ها و محکوم کردن انقلابیون، لقب شوالیه

وکیلوی تاریخ سینمای پس از انتخاب

حکایت سینماتوگراف ۲

فیلم‌هایی که بدون پروانه ساخت تولید نشدند

و یا با پروانه نمایش، اگران نگرند!

سعید مستقانی

بخش یکصد و چهل و پنج

اما فیلم‌هایی بودند که بدون موافقت اعضای شورای صدور پروانه ساخت و بدون امضای صورتجلسه

مربوطه با تصمیم و رای مدیران سازمان سینمایی اعم از مدیر کل اداره نظارت بر تولید و ساخت فیلم یا مدیر کل اداره نظارت بر نمایش یا معاونت نظارت و ارزشیابی یا رئیس سازمان سینمایی و یا شخص وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه ساخت و نمایش دریافت کردند و یا برعکس، علی‌رغم اعلام موافقت اعضای شورای پروانه ساخت مبنی بر صدور مجوز تولید و امضای صورتجلسه مربوطه، پروانه ساخت و نمایش آنها به تعویق افتاد و یا اساسا صادر نگردید!

در همین جهت، موارد ذیل برای ثبت در تاریخ ذکر می‌شود:

خدای جنگی که موافقت شورا را نگرفت!

و همین مصادیقی که در ذیل می‌آید نشان‌های بر مشورتی بودن شوراهای صدور پروانه ساخت و نمایش است که البته در آیین نامه آنها هم ذکر گردیده است!

فیلمنامه‌ای درباره شهید تهرانی مقدم به نام «خدای جنگ» (که در ابتدا «قطعه ذوب» نام داشت) یک بار به دلیل تحریف شخصیت شهید در شورای پروانه ساخت مورد مخالفت قرار گرفت و بار دوم بارهم به دلیل تحریف شخصیت شهید تهرانی مقدم و ماجراهایی که اساسا به ایشان ربطی نداشت و بعد تغییر نام شهید به اسمی ناآشنا و سپس نسبت دادن پدر موشکی ایران به آن اسم ناآشنا، شورا، به اتفاق آراء، موافقت با آن را منوط به اصلاحاتی مطابق آیین‌نامه یعنی عدم تحریف نام و شخصیت سردار شهید و یا به طور کلی چشم پوشی از اقدامات منحصر به فرد وی و شیفت داستان به ماجرا و شخصیت‌های دیگر دانست. سازمان اوج (سازنده فیلم) هم مثل برخی دیگر از سینماگران، فقط پروانه ساخت را بدون اعمال اصلاحات و براساس اعتماد اعضای شورا به سازندگان فیلم می‌طلبید که شورا بنا به تصریح و تأکید رئیس سازمان سینمایی، دیگر نمی‌توانست براساس اعتماد پیش رفته و بایستی حتما فیلمنامه اصلاح شده براساس نظرات شورا، مجدداً می‌آمد و خوانده می‌شد و بعد در صورت تأیید، پروانه ساخت صادر می‌گردید.



همه تأکید ما در شورا بر رعایت عدالت و انصاف در حق همه مراجعه کنندگان و فیلمنامه نویسان و تهیه کنندگان بود. یعنی براین باور بودیم که نایبستی تفاوتی مابین سازمان اوج و مثلا یک تهیه‌کننده و فیلمنامه‌نویس کمتر شناخته شده گذارده شود و اگر شرط موافقت با پروانه ساخت، ارائه فیلمنامه کامل اصلاح شده است، این شرط بایستی برای همه به طور یکسان اعمال شود و در این میان فالان فیلمساز معروف و سازمان اوج و آن یکی سینماگر معمولی فرقی ندارند. اما متأسفانه آن سینماگران شناخته شده، این تفاوت‌ها را می‌طلبیدند.

برهمین اساس متأسفانه، سازمان اوج هم مثل برخی دیگر فیلمسازان پیش از دریافت پروانه ساخت، کار تولید را شروع کرد و هیچ فیلمنامه اصلاح شده‌ای برای شورا نفرستادند! و شورای پروانه ساخت تا آخرین روزهای کاری خود همچنان در انتظار دریافت فیلمنامه اصلاح شده درباره شهید تهرانی مقدم بود که نیامد ولی فیلم با تصمیم مدیران به تولید و سپس نمایش رسید!

شوراهای پروانه ساخت و پروانه نمایش بدون هیچ‌گونه جهت گیری و سمت و سوی خاصی سیاسی یا باندي و گروهی در مقابل هر فیلمنامه و فیلمی که تاریخ یا شخصیت‌ها آن به خصوص فرمانان ملی و دینی را تحریف کرده و یا با ساختاری ضعیف به آنها پرداخته می‌شد، در طی این ۳۰ سال ایستاد و اهمیتی نداشت که آن فیلم و فیلمنامه به کدام جناح یا ارگان و نهاد انقلابی وابسته است.

بدون پروانه ساخت به ارکان رسیدند!

فیلمنامه «هزیز» به دلیل تقویت ساختار آن و خنده‌دار شدن جایگاه مادر، منوط به اصلاحات شد و شورای پروانه ساخت در انتظار دریافت نسخه اصلاح شده بود که خبر آمد تولید فیلم با پیشنهاد مدیر کل اداره نظارت بر نمایش و موافقت رئیس سازمان سینمایی آغاز شده و بنابراین اعضای شورای پروانه ساخت هیچ صورتجلسه‌ای مبنی بر موافقت با صدور مجوز تولید فیلم را امضاء نکردند.

اکثریت اعضای شورای پروانه ساخت با فیلمنامه «هتل» به دلیل ابطال بیش از حد مخالفت کرده و آن را منوط به اصلاحات بسیاری نمودند که انجام نشد اما فیلم با موافقت رئیس سازمان سینمایی ساخته شد! شورای پروانه ساخت دو بار با فیلمنامه «مسحج پسر مریم» به دلیل تحریف تاریخ به خصوص نقش حوزه‌ها در انقلاب و تصویری غیر واقعی از آن، همچنین تصاویر محله‌های بدنام و ساختار ضعیف، مخالفت نمود.

مدیر گروه فیلم و سریال سازمان اوج (تولیدکننده فیلم) طی نامه‌ای به شورا، متعهد شد که در صورت موافقت با صدور پروانه ساخت، موارد مورد نظر را اصلاح خواهد کرد و اصرار داشت که به آنها اعتماد شود. اما شورا بر این موضوع پافشاری می‌کرد که ملاک، فیلمنامه موجود است که اگر آن را بر اساس نظرات قانونی شورا اصلاح کنند، با صدور پروانه ساخت موافقت خواهد شد. اما فیلمنامه فوق با رایزنی سازمان اوج و با تصمیم شخص وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مرحله تولید رسید.

فیلم هم که تولید نشد، در شورای پروانه نمایش به مشکل ساختاری برخورد و به اتفاق آراء مردود اعلام شد و نتوانست به جشنواره فیلم فجر سال ۱۴۰۰ برسد به همین دلیل طی نامه‌ها و مصاحبه‌های متعدد از سوی مسئولان سازمان اوج، اعضای شورای پروانه نمایش، مورد توهین و افترا قرار گرفتند و آنها از موضعی بالا، به اعضای شورا به طور عموم و برخی اعضا به شکل اخص افترا و تهمت زدند.

اما در نهایت علی‌رغم مخالفت برخی اعضای شورای نمایش، با وساطت مدیران سازمان سینمایی و جرح و تعدیل برخی صحنه‌ها، برای فیلم «مسحج پسر مریم» پروانه نمایش هم صادر شد، ولی به شبکه خانگی رفت!

فیلم‌هایی مانند «احمد»، «آسمان غرب» و «شور عاشقی» مورد مخالفت اکثریت اعضای شورای پروانه نمایش قرار گرفت ولی پروانه نمایش آنها از سوی سازمان سینمایی صادر گردید!

در حالی که فیلم‌هایی مثل «لاله کیود» مهرشاد کارخانی و «لاک پشت و حلزون» چندین بار و در فواصل طولانی مورد مخالفت اعضای شورای پروانه نمایش قرار گرفته و منوط به اصلاحاتی شدند ولی بدون آن اصلاحات از سوی سازمان سینمایی مجوز ارکان دریافت نمودند

شورا موافقت کرد ولی پروانه صادر نشد!

فیلم «علت مرگ نامعلوم» ساخته‌تن علی زنگار و به تهیه‌کنندگی مجید برزگر (علی‌رغم تمامی حاشیه‌های ریز و درشت ایشان) در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۴۰۲ برای ارکان مورد موافقت شورای صدور پروانه نمایش قرار گرفت و صورتجلسه آن از سوی اکثریت اعضای شورا امضاء شد اما صدور پروانه نمایش آن توسط اداره نظارت بر نمایش تا یک سال و نیم به بعد به تعویق افتاد!

فیلم‌ها «رکسانا»، «بی سر و صدا»... با اصلاحاتی مورد موافقت شورای پروانه نمایش قرار گرفته و صورتجلسه مربوطه امضاء شد ولی هیچ‌گاه پروانه نمایش آنها از سوی اداره مربوطه صادر نگردید!

در مورد فیلم «بی‌سر و صدا» که از سوی شورای پروانه نمایش فقط چند اصلاح خیلی جزئی برای فیلم درنظر گرفته شده بود ولی این اصلاحات توسط مدیران اداره نظارت بر نمایش به حدود ۲۰ دقیقه افزایش یافت و پروانه نمایش فیلم که به اتفاق مورد موافقت اعضای شورا قرار گرفته بود تا پایان کار دولت سیزدهم به تعویق افتاد!

در این مورد و موارد مشابه، بنا به تجارب گذشته همواره اعضای شوراهای پروانه ساخت و نمایش براین باور بودند که رای و نظرشان مشورتی است و تصمیم گیرنده اصلی شخص وزیر محترم و ریاست سازمان سینمایی یا دیگر مدیران هستند در با استفاده از اختیارات قانونی خود می‌توانند برخلاف نظر شورای پروانه ساخت یا نمایش، فیلمنامه و فیلمی را رد یا قبول نمایند که چنین هم شد.

به خاطر دارم در ابتدای ورودم به این شوراها، به رفیق قدیمی خود، محمد خراعی که رئیس سازمان سینمایی شده و بنده را هم برای همکاری دعوت کرده بود، بنا به تجاری که از حضور در شوراهای قبلی مانند شورای فیلم و سریال شکم دو سیما و شورای تولید متن حوزه هنری و شورای صدور پروانه نمایش سازمان سینمایی و... داشتم به شوخی گفتم که معمولا در این شوراها، مدیران به دنبال آن هستند که ببینند شوراها چه اثری را رد می‌کنند تا آنها تولید و پخش نمایند و کدام فیلم‌ها و فیلمنامه‌ها را می‌پذیرند تا آنها از تولید و پخش‌شان، ممانعت کنند!!